

بررسی زندگینامه شهید سپهبد علی صیاد شیرازی (با تأکید بر ایثار و رشادت شهید)

راهیل جلیلیان^۱

چکیده

نام امیر ارتش سپهبد صیاد شیرازی با تاریخ ۸ سال دفاع مقدس عجین شده است. صیاد شیرازی همواره آرزوی شهادت داشت و اکنون که این سرباز فداکار اسلام و ایران مزد قهرمانی و زحمات ارزشمند خود را در راه خدا دریافت نموده و به آنچه در طول عمر پربرت خود در آرزویش بود نایل آمده وظیفه سربازان ولایت است تا با نگاشتن مقالاتی در وصف ایشان ضمن معرفی خصوصیات آن شهید بزرگوار به همگان، ادامه دهنده راه همه شهیدان بلاخص شهید صیاد شیرازی باشند. این نگاشته به منظور بیان ویژگی‌های آن شهید تهیه شده است. سؤال این مقاله که در پی پاسخ آن هستیم عبارت است از: ویژگی‌های اخلاقی شهید صیاد شیرازی چه بودند که ایشان را به الگوی نظامی-اخلاقی در میان جوانان، سربازان و فرماندهان تبدیل نموده است؟ فرضیه مقاله حاضر اینکه به نظر می‌رسد ویژگی‌های اخلاقی چون ولایتمداری، اخلاص، مردمی بودن و ... سبب گردیده تا ایشان به عنوان یکی از فرماندهان ممتاز نظامی-اخلاقی و مذهبی به ملت ایران معرفی و در تاریخ پر حماسه ملت شهید پرور و قدر شناس ایران اسلامی همواره ثبت گردند. این مقاله به روش کتابخانه‌ای و همچنین تکیه بر منابع اینترنتی تهیه شده و هدف از نگاشته پیش رو عبارت است از: تجلیل از مقام شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، ارائه الگوی مناسب برای نسل آینده و معرفی و واکاوی ویژگی‌های اخلاقی منحصر به فرد شهید صیاد شیرازی.

واژگان کلیدی: امیر سپهبد صیاد شیرازی، رشادت، زندگینامه، ویژگی‌های اخلاقی، ایثار.

^۱ دانشجوی دکتری شیمی، تجزیه دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام، کارشناس آموزش آموزشگاه سما ایلام.

مقدمه

جوان امروز با توجه به هجمه وسیع تبلیغات دشمنان نظام انقلاب اسلامی دچار سردرگمی است و اگر نتوان الگویی مناسب برایش پیشنهاد کرد بدون شک در دام نیرنگ های ضد انقلاب اسیر خواهد شد. حال چه الگویی زیباتر و مناسب تر از شهدا. شهیدانی که جان خود را در طبق اخلاص گرفته و برای دفاع از دین، شرف و کشورشان به همه چیز جز مذهب، خدا و ولایت فقیه‌شان پشت کرده و جان خود را تقدیم به خدای خود نمودند. شهید صیاد شیرازی را می توان به حق به عنوان یکی از زیباترین و دل انگیزترین شهدایی دانست که اگر به درستی شناسانده شود جوان امروزی می تواند او را به عنوان الگوی خود برگزیند.

سینه ستبر تاریخ مآمال از خاطرات حیات و ممات مردان مردی است که روحشان فراتر از زمان و عرصه فراخ زمین تنگ تر از قلب سرشار از عشقشان بوده است. عشق به یگانه هستی بخش که اشتیاق لقائش آرام از جسم و جان آنها گرفته و سر سودایی شان را همواره بر آستان داشته است.

امیر کم نظیر ارتش اسلام سپهبد علی صیاد شیرازی یکی از این پر و بال سوختگان وصال نور است که لباس زیبای شهادت زینده قامتش و کمترین مزد اخلاص، فداکاری و ایثار و پروانگی اوست. سردار سرافراز جبهه توحید و بسیجی آشنای جبهه های افتخار و شرف و نور، این سربردار هم بیدار و جهادگر عرصه های پیکار و شیر بیشه شجاعت و ایثار و عاشق بی قرار و اسوه اخلاص و استقامت با صدق و صفا، پس از عمری جهاد خالصانه و جانبازی در خطوط مقدم دفاع از اسلام و ولایت، با پیکر خونین و چهره رنگین و به دیار معشوق شتافت و شهید شاهد جوار حق گردید و اجر و پاداش آن همه اخلاص و ایثار را در همین دنیای فانی نیز گرفت. تجلیل و گرامی داشت تمام برجستگان ملت و تقدیر

امت اسلام در تشییع با شکوه و کم نظیر این سرباز فداکار اسلام گواه این مدعا است. او عاشق دلسوخته ای بود که در گستره خونین جبهه های نبرد از کوه های سر به فلک کشیده کردستان تا دشت های خوزستان به جهاد و نماز و نیایش می پرداخت و در جهاد اکبرش اوج بندگی خویش را به نمایش می گذاشت. او صدف خود را شکسته بود تا در ناب وجودش با ذوبیقت اسلام و ولایت ظهور یابد. ادوار زندگی سرشار از خدمتش، به حق نمونه ای مجسم در خدمتگزاری بر این طریق بود و برای نیل به مقصود دمی آرام نداشت. او فرماندهی متدین، جدی، امیدوار، سخت کوش، شجاع و با اخلاص و الگویی کم نظیر و برتر در خدمتگزاری و وفاداری به نظام و عشق به ولایت بود.

سپهبد علی صیاد شیرازی؛ هم که می گفت: «قهرمان کسی است که در جهاد اکبر، بر نفس اماره خود غالب آمده باشد، آن طوری که آرزوی یک بار غفلت کردن و خدا را از نظر دور داشتن را در دل شیطان به گور فرستد. قهرمان کسی است که در وابستگی به خدا و خط ولایت، آن چنان آبداده و توانمند شده باشد که با اطمینان قلبی، مہیای انجام هر تکلیفی باشد که از محور ولایت بر عهده او بسپارند. قهرمان کسی است که دل به دنیا نسپارد و در التهاب هجرت به دیاردوست، سر از پا نشناسد» و شهید صیاد شیرازی، در عرصه های مختلف اجتماعی و نظامی، حقیقت این قهرمان را در وجود خویش متبلور ساخت.

امیر شجاع و دلور ارتش پر افتخار جمهوری اسلامی ایران، سپهبد صیاد شیرازی، نامی پرافتخار و جاودانه است که با هشت سال دفاع مقدس و دلوری ها و از خودگذشتگی ها، عجبین می باشد. این عارف عاشق، نمونه بارز شرف و غیرت ایرانی بود که جان شیرین خویش را، فدای عزت و سربلندی اسلام و ولایت نمود. سپهبد سرافرازی که عمر با برکت



شهید سپهبد علی صیاد شیرازی در یک نگاه

الف) بخش اول زندگی شهید: قبل از انقلاب اسلامی

امیر سپهبد علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۲۳ در کبود گنبد مشهد در خانواده ای مذهبی به دنیا آمد. مادرش شهربانو و پدرش زیاد نام داشت. پدرش، که از عشایر فارس بود، به استخدام ژاندارمری درآمد و سپس به ارتش منتقل شد (بی نا، ۱ فروردین ۱۳۹۳). ایشان به همراه پدر و خانواده، مانند دیگر خانواده های نظامیان، از شهری به شهر دیگر مهاجرت می نمود. شهرهای مشهد، گرگان، شاهرود، آمل و گنبد محل پرورش وی شدند. سال ششم متوسطه را در تهران گذراند و در سال ۱۳۴۲ موفق به اخذ دیپلم گردید. در سال ۱۳۴۳ در کنکور دانشکده افسری شرکت نمودند و پذیرفته شدند. شهید صیاد شیرازی از آغاز ورود به دانشکده به جدیت در درس و پای بندی به مذهب مشهور شدند و سرانجام در مهرماه ۱۳۴۶ در رشته توپخانه دانش آموخت و با درجه ستوان دومی وارد ارتش گردید و پس از طی دوره آموزشی در شیراز و اصفهان به لشکر تبریز و سپس لشکر زرهی کرمانشاه منتقل شدند. شهید صیاد در سال ۱۳۵۰ برای گذراندن دوره آموزشی زبان انگلیسی به تهران مهاجرت و پس از پایان دوره و به دلیل جدیت در تحصیل سرانجام خود از استادان زبان انگلیسی شدند (بی نا، ۱۳۷۸: ۷).

شهید صیاد در سال ۱۳۵۲ به دلیل لیاقت ها و دقت هایش در کار، برای تکمیل تخصص های توپخانه از طرف ارتش به آمریکا اعزام شد تا دوره هواسنجی بالستیک را بگذراند. او این دوره آموزشی را در شهر فورت سیل از ایالت اوکلاهما، در منطقه ای نظامی، با موفقیت طی نمود. در این دوره فشرده ستوان صیاد شیرازی همچون مبلغی مذهبی به دعوت آمریکاییان به اسلام می پرداخت و در مجالس بحث و مناظره آنان شرکت می کرد. او در بین آشنایان جدیدش به مرد

خویش را، در راه خدمت به ملت و مملکت اسلامی اش، سپری نمود و در راه رسیدن به لذت وصل، هرگز دل به زیورهای دنیوی نیست و عارفانه و عاشقانه، سلوک وصل را طی نمود تا آن گاه که جام شیرین شهادت را سرکشید. صیاد شیرازی همواره در مسیری گام برمی داشت و فعالیت می کرد که ضمن ثمربخش بودن تلاش بی پایانش، آثار مفید و ارزشمند زحماتش، جاودانه نیز باقی بماند. ایشان هرگز به لذات و زر و زیور دنیا و سرگرمی های زودگذر آن دل نمی بست و کلیه اعمالش در جهت رضای خدا بود. نیت و روح او الهی و افکار و اعمالش آثاری جاودانه و ماندگار داشت و این همان قهرمانی است که برازنده یک جوان شیعه ایرانی است. زندگی و تفکرات شهید صیاد شیرازی در عرصه های مختلف اجتماعی و نظامی نشانگر این حقیقت است که وی نمونه ای از الگوی قهرمانی نه شعار و بلکه در عمل بود.

نقش برجسته شهید صیاد شیرازی در دوران انقلاب و پس از آن در تمامی عملیات های نظامی بر هیچکس پوشیده نیست. به شهادت تاریخ خونبار جنگ تحمیلی او یکی از فرماندهان سرافراز ایران بود که در دوره ای حساس و طاقت فرسا با فرماندهی نیروی زمینی ارتش اهداف ارتش متجاوز عراق را که از پشتیبانی سایر کشورها نیز بهره مند بود به ناکامی و شکست منجر کرد. این شهید پاکبخته از جمله مریدان مخلص و معتقد به ولایت فقیه محسوب می شد که همواره یاد و خاطره اش در اذهان ملت قدرشناس جمهوری اسلامی ایران باقی خواهد ماند.

مقاله حاضر تلاشی است در جهت شناساندن ویژگی های اخلاقی این شهید بزرگوار. حال اگر چه ویژگی های اخلاقی ایشان در این چند صفحه نخواهد گنجید اما امید است این مقاله آغازگر راهی باشد که متخصصان فن را به ترقیب برای تهیه کتابی جامع از تمام ابعاد زندگی ایشان، وادارد.

ب) بخش دوم زندگی شهید: پس از انقلاب اسلامی

دوره دوم زندگی شهید صیاد بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز می شود، ایشان پس از پیروزی انقلاب اسلامی با آقایان رحیم صفوی و حجت الاسلام سالک آشنا می شوند و با یکدیگر پیمان می بندند که از پادگان های اصفهان حفاظت نمایند. اختلاف ایشان با فرماندهان ارتش موجب آشنایی وی با آیت ا... خامنه ای می گردد و از اینجا سرنوشت شهید صیاد به کلی تغییر پیدا کرد. پس از حوادث کردستان (صادقی گویا، ۱۳۷۹: ۳۳) صیاد با درجه سرگردی به همراه سردار صفوی به غرب اعزام می گردد و با هماهنگی ارتش و سپاه، سنندج را آزاد می کنند (بی نا، ۱۳۸۷). لیاقت های سرگرد در کردستان موجب می گردد تا با درجه سرهنگی به فرماندهی عملیات غرب منصوب گردد. اختلافات سرهنگ با بنی صدر اولین رئیس جمهوری اسلامی موجب برکناری وی و خلع دو درجه می گردد. اما دیری نپایید که بنی صدر سقوط کرد و شهید رجایی به ریاست جمهوری رسید و ایشان مجدداً با دو درجه به غرب کشور اعزام می شود. سرهنگ صیاد شیرازی با تأسیس قرارگاه حمزه سیدالشهداء لشگرهای ۶۴ ارومیه و ۲۸ کردستان و تیپ های ۲۳ نیروی ویژه هوا برد و تیپ ۳۰ گرگان شهرهای بوکان و اشنویه را آزاد کرد. در هفتم مهرماه ۱۳۶۰ به خاطر رشادت ها و لیاقت ها، توسط رهبر معظم انقلاب، امام خمینی (ره) به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد (بی نا، ۳۱ فروردین ۱۳۹۲). او با هماهنگی با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عملیات طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، رمضان، مسلم بن عقیل، مطلع الفجر، محرم، والفجر ۱، ۲، ۳، ۴، ۸، ۹، عملیات خیبر و بدر و قادر (مؤمنی، ۱۳۸۳: ۹۳) شرکت نمود و پیروزی های بزرگی را برای ایران اسلامی به ارمغان آورد که بی شک در تاریخ امت اسلامی به عظمت خواهد ماند. سرهنگ صیاد شیرازی در

مذهبی مشهور گردید و پس از گذراندن دوره، با تخصصی جدید و روحیه ای با نشاط به ایران مراجعت کرد. ارتش برای استفاده از دانش نظامی ایشان، وی را در سال ۱۳۵۳ به اصفهان مرکز توپخانه منتقل کرد. شهید صیاد در اصفهان با یافتن دوستان جدید مطالعات مذهبی خود را پی گرفت و شخصیت سیاسی خویش را در این دوره قوام بخشید. او در نامه ای که برای سرگرد محمد مهدی کتیبه، یکی از افسران مذهبی ارسال کرد این جمله را نوشت: «در مورد برنامه های مذهبی بحمدالله پیش می رویم مخصوصاً در آن قسمت که می دانید» (محسنی، ۱۳۸۱). این جمله حساسیت ضد اطلاعات را برانگیخت و از آن پس وی تحت مراقبت قرار گرفت. آنها پس از تحقیق و مراقبت متوالی، او را «متعصب مذهبی» معرفی و مراقبت از وی را شدت بخشیدند. جالب این است که هرکس از افسران را به مراقبت وی می گماردند یا تحت تأثیر روحیه او قرار می گرفت و گزارش مثبت برای ایشان رد می کرد یا صیاد را از مراقبت و مأموریت خود خبر می داد و یا از اول با چنین مأموریتی مخالفت می کرد.

سروان صیاد هم زمان با اوج گیری مبارزات ملت مسلمان ایران به رهبری امام خمینی (ره) تقیه را کنار گذارد و در ارتش علناً به دفاع از علمای اسلام و حکومت اسلامی پرداخت و سرانجام به دلیل این که در بین افسران، تبلیغات ضد رژیم می کرد، ضداطلاعات از قرار دادن جنگ افزار در اختیار وی ممانعت و اعلام نمود که از واگذاری مشاغل حساس به او خودداری شود. سرانجام سروان در ۱۹ بهمن دستگیر و زندانی شد اما دیری نپایید که انقلاب به پیروزی رسید و او هم مانند همه مردم ایران آزاد شد.



انتقال دادند که متأسفانه بر اثر شدت جراحات وارده، تلاش پزشکان برای نجات وی بی‌نتیجه بود و او در بیمارستان به شهادت رسید. به گفته شاهدان مرد تروریست با پوشش لباس رفتگر در حوالی خانه شهید به کمین نشسته بود و امیر بزرگوار را هنگام خروج از خانه به رگبار بست. در این حال شهید صیاد که سوار بر خودرو تویوتای سفید رنگ خود بود مورد اصابت گلوله‌های تروریست‌ها واقع شد. در پی این حادثه یک سخنگوی گروهک منافقین در تماس با خبرنگاری فرانسه در نیکوزیا مسئولیت این جنایت را بر عهده گرفت. ترور صیاد شیرازی در کارنامه تروریستی منافقین از جهات بسیاری قابل تعمق نشان می‌دهد. ادله ای که منافقین برای این ترور ارائه می‌کنند حاکی است که برای این عمل صرف‌نظر از دلایلی که سازمان به آن اتکا می‌کند باید به‌دنبال دلایل و انگیزه‌های پنهان دیگری گشت. دلایل منافقین برای ترور سپهبد صیاد شیرازی در اطلاعیه‌های نظامی خود حول سه محور جمع‌بندی شده است؛ نقش صیاد شیرازی در دفاع از تمامیت ارضی ایران در جنگ با عراق، نقش وی در مهار و کنترل غائله کردستان در بدو انقلاب سال ۵۷ و نقش وی در خنثی کردن عملیات موسوم به فروغ جاویدان که منافقین با پشتوانه ارتش عراق خاک ایران را مورد تعرض نظامی قرار دادند (بی‌نا، ۳ مهر ۱۳۹۰).

ویژگی‌های شخصیتی منحصر به فرد شهید صیاد

شیرازی

سرتیپ صیاد شیرازی در ۱۶ فروردین ۱۳۷۸، به درجهٔ سرلشگری نائل آمد و چند روز بعد یعنی در روز شنبه ۲۱ فروردین هنگامی که از منزل عازم محل کارش بود، هدف حملهٔ مسلحانه قرار گرفت و به شهادت رسید. در مراسم

مرداد سال ۱۳۶۵ از فرماندهی نیروی زمینی استعفا داد و با پیشنهاد آیت الله خامنه‌ای و تصویب رهبر انقلاب به سمت نمایندگی امام در شورای عالی دفاع منصوب شد (همان، ۳۴۲). ایشان در سال ۶۶ به درجه سرتیپی نایل آمدند. سرتیپ صیاد شیرازی در سال ۶۷ در عملیات مرصاد که مرزهای غرب ایران مورد هجوم منافقین قرار گرفته بود شرکت و ضربات محکمی را بر پیکر مزدوران منافق وارد کرد. سرانجام صیاد شیرازی در مقام جانشینی ریاست ستاد کل به خدمت مشغول شد. امیر سرتیپ صیاد شیرازی در ۱۶ فروردین ۱۳۷۸ همزمان با عید خجسته غدیر با حکم مقام معظم فرماندهی کل قوا به درجه سرلشگری نایل آمد (خادم‌الشهداء، ۱۴ فروردین ۱۳۸۷) که این درجه پس از شهادت وی به سپهبدی ارتقاء یافت.

هنگامی که ایشان توسط حضرت آقا به درجه سرلشگری رسیدند به خانواده شان گفتند که «دعا کنید من شهید شوم» (معراجی پور، ۱۳۸۵: ۱۱۸) و سرانجام پس مانده‌های زخم خورده مرصاد در صبح روز ۲۱ فروردین ۷۸، فاتح بزرگ فتح المبین و بیت المقدس و یکی از بزرگترین سرمایه‌های کشور را در تروری ناجوانمردانه آماج تیرهای کینه خود قرار دادند و قامت استوار امیر ارتش اسلام را به خاک افکندند.

نحوه شهادت

شهید علی صیادشیرازی روز شنبه ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۸ در حوالی خانه‌اش مورد سوء قصد عوامل تروریست قرار گرفت و به شهادت رسید. ساعت ۶ و ۴۵ دقیقه صبح این روز که امیر صیادشیرازی با اتومبیل خود به قصد عزیمت به محل کارش از خانه خارج شدند، مورد هجوم مرد ناشناسی قرار گرفت و به شدت مجروح گردید. اهالی محل که از این حادثه مطلع شدند بلافاصله ایشان را به بیمارستان فرهنگ

از بی‌راهه تمیز داد. مدیرانی که فکر می‌کنند راه موفقیت آنها، فریب افکار عمومی از طریق ارائه ارقام و بیلان و آمارهای غیر واقعی است، در اشتباهند چرا که اولاً حقایق جامعه و واقعیت‌های سازمان مدیریتی آن‌ها در مدت زمان کمی دروغ و موفقیت کاذب آنها را آشکار می‌کند و ثانیاً اشتباه در تشخیص راه موفقیت، آرمان موفقیت طلبی جامعه را به شکست می‌کشاند و زندگی مدیر فریبکار را نیز نابود می‌سازد. پس شناخت راه موفقیت از امور مهم و اساسی در کسب موفقیت است. پرسشی که ذهن را به تکاپو می‌اندازد، این است: راه قبله کدام است؟ کعبه مقصود کجاست؟

شهید سپهبد صیاد شیرازی راه قبله و کعبه مقصود را به درستی تشخیص داده بود. برای او موفقیت یک تحفه حاضر و آماده نبود که دیگران برایش تهیه کنند. باید برای کسب موفقیت تلاش کرد و آن را ساخت، مردان موفق اهل کار و تلاش و مبارزه‌اند. موفقیت ساختنی است نه یافتنی و برای ساختنش باید تلاش کرد (حسینینیا، بی تا).

الف) ارادت شهید به ولایت

شهید صیاد شیرازی اطاعت از ولایت فقیه را برای خود تکلیف شرعی می‌پنداشت. ایشان خواستار ذوب شده در ولایت فقیه و افتخارشان، بودن در رکاب مقام معظم رهبری و شهادت در این راه بود (انبارداران، ۱۳۸۱: ۲۱).

فرزند شهید در این باره می‌فرماید:

«من غالباً درد دلها و سئوالاتم را با ایشان مطرح می‌کردم و از ایشان راهنمایی می‌خواستم عمده همه پاسخهایی ایشان هم این بود که باید مواظب باشیم خط ولایت را گم نکنیم. می‌گفت معیار ما در تمامی گزینشها و انتخابها اشاره و اراده ولایت است و تبعیت از ولایت فقیه باید در همه جا و در همه حال در وجود ما جاری و ساری باشد. محور دیگر از تأکیدات ایشان ایستادگی بر سر هدف و دفاع از کلمه حق در هر

تشییع پیکر وی اغلب مردم تهران شرکت کردند، ازدحام جمعیت در تشییع یک فرمانده شهید تا آن ایام و حتی بعد از آن در آن مقیاس بی‌سابقه بود. مراسم سوگواری وی علاوه بر تهران در دیگر شهرهای ایران نیز برگزار شد. شهید صیاد شیرازی از جمله فرماندهانی بود که چه در زمان حیات و چه پس از شهادت در میان مردم محبوبیت فراوانی داشت. احترام و علاقه‌مندی مردم به وی فقط به خاطر حضورش در میدان جنگ و یا مسئولیت‌هایش نبود، بلکه دلایل دیگری داشت که به خصوصیات فرماندهی، اخلاقی و شخصیتی آن شهید مربوط می‌شود. گذشته از خصوصیات مشترک و مورد نیاز برای یک فرمانده مانند تعهد و ایمان، شجاعت و تدبیر، کاردانی و قدرت تصمیم‌گیری، آشنایی به مهارت مدیران (مهارت‌های فنی، انسانی و ادراکی)، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و کنترل، نوآوری و ابتکار و ایجاد انگیزه که همه در شهید صیاد شیرازی به خوبی قابل تشخیص بودند، وی خصوصیات دیگری داشت که در مجموع با همه ابعاد مدیریتی و شخصیتی‌اش او را در دل مردم و مسئولان جای داده بود.

اصولاً میل به موفقیت و هم‌چنین محبوبیت، نیاز طبیعی انسان‌ها است. همه ما دوست داریم مورد احترام و علاقه دیگران باشیم، دوست داریم دارای شاخصه‌هایی باشیم که از آن‌ها تمجید شود. نفوذ در دل‌ها و موفقیت در اجرای وظایف، یکی از ویژگی‌های مهم یک مدیر است. انسانی را موفق می‌گویند که توانسته باشد بین تلاش‌ها و اهداف سازگاری و انطباق ایجاد کند و سعی و کوشش خود را قرین و همراه اهداف خویش سازد. بنابر این، موفقیت یک تعریف ندارد، چون اهداف انسان متنوع و از سطوح و مراتب متعددی برخوردار است، اما هر مدیری به موفقیت می‌اندیشد. مهم این است که برای کسب موفقیت باید راه درست آن را شناخت و



می‌کرد. چه خاطره‌ای از آن شبهای پرفراز و نشیب دارید؟ فرمود: بزرگترین خاطره من شجاعت، مردانگی، دلیری و از خود گذشتگی شهید چمران بود که فرمود امام فرمان داده باید حصر آبادان شکسته شود، تا این فرمان اجرا نشود من خود را سرباز فداکار امام و مطیع امر ولایت و فرماندهی کل قوا نمی‌دانم. در ادامه در مورد عشق و علاقه‌اش به مقام رهبری پرسیدم. دوباره فرمود: شما از یک مقلد چه توقعی دارید؟ گفتم: شما با مقلدان دیگر فرق دارید، فرمود من خوشحالم که در امر ولایت و رهبری آقا ذوب شده‌ام و به این ذوب شدن افتخار می‌کنم و امیدوارم تا لحظه آخر عمر همچنان باقی بمانم ان شاء الله. دوباره در جمال نورانش که اخلاص شکوفائی می‌کرد عمیق شدم و سؤال کردم الان چه آرزویی دارید؟ فرمود: آرزو دارم هرچه زودتر فرمانده دلیر و شجاعم را زیارت کنم. شاید این آخرین زیارتم باشد در پایان عرض کردم سردار ارادت شما به آقا تا کجاست؟ فرمود: من از خدا خواسته‌ام و حتی در وصایایم آورده‌ام که در رکاب این مرد خدا که جانشین بر حق آقا امام زمان است باشم و آخر شهید در راهش شوم. ولی من دو واژه مهم در وجود مبارک مقام معظم رهبری مشاهده می‌کنم که اولین آن شجاعت مدبرانه معظم له در برابر همه زور گویان بویژه آمریکای جهانخوار است و دوم تواضع و مظلومیت ایشان که شباهت زیادی به مولایمان حضرت علی (ع) دارند» (بی نا، ۲۷ آبان ۱۳۸۶).

ب) خدمتگذاری شهید به مجالس عزاداری امام حسین (ع) حجت الاسلام علی دوانی در این رابطه خاطره‌ای دارند: «شهید شیرازی شب اول هر ماه در منزلش مراسم وعظ و عزاداری برپا می‌کرد همسایگان دیده بودند که روزهای اول هر ماه شخصی بیرون خانه و در حالی که چفیه‌ای به سر و صورت بسته جلو در ورودی را جاروب می‌کند و آب می‌پاشد،

شرایطی بود و می‌گفت این دو هدف در سایه قرار گرفتن در خط اصیل ولایت حاصل می‌شود. می‌گفت: حرف رهبر را باید گوش کرد و به آن عمل نمود حالا دیگران و دشمنان هرچه می‌خواهند بگویند و هر دشمنی که دارند بروز دهند، برای دستوراتی غیر از امر رهبر جایگاهی قایل نبود. ایشان در همه اوقات بخصوص نماز ارادت عمیق خود را به ولایت بروز می‌دادند که: (اللهم ایدآیه الله العظمی خامنهای اللهم واحفظه و ثبته) این دعا را همیشه زیر لب زمزمه می‌کرد و جزو ذکرهای دائمی وی بود. و این بوسه‌ای که رهبر عزیزمان بر پیکر شهید زدند نیز تجلی همین عشق متقابل بود و به عقیده خودم این بوسه ایشان تجلیل از دو دهه تلاش و جهاد شهیدان و ایثارگران بود» (بی نا، ۱۶ آذر ۱۳۹۱).

یک خبرنگار نقل می‌کند: «روز عید سعید غدیر جای آنهایی که نبودند واقعاً خالی بود. ساعت حدود ۹ صبح گلیم های حسینی امام خمینی (ره) با قدوم سرباز فداکار و امیر سرافراز سپاه سپهبد صیاد شیرازی رضوان الله تعالی علیه عطر افشان شد. او از اولین زائرین زیارت مقام عظمای ولایت و فرماندهی کل قوا بود. کنارش قرار گرفتم و ضمن عرض سلام و تبریک گفتم: سردار از همه زودتر تشریف آوردید. با یک تبسم بشاش و پرآوازه اظهار داشت باور کنید از دیشب تا به حال قرار نداشتم. دائم به فکر این بودم که شب طولانی هر چه زودتر به صبح سپیده دم مبدل شود تا بتوانم مراد و مرشد همیشه جاوید انقلاب اسلامی را زیارت کنم. در ادامه به او نگفتم من یک خبرنگار هستم، سؤال کردم سردار خوشا به حال روزهایی که شما را در شاخ شمران، مهران، سردشت، مریوان بانه عملیات بزرگ طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، خیبر، بدر، و الفجر، ثامن الائمه که سردار شجاع اسلام شهید چمران با شما درباره عملیات گفتگو می‌کرد و دائم از جنابعالی به عنوان فرمانده قهرمان و شجاع یاد

که متوجه می‌شوند او خود سپهبد صیاد شیرازی است» (بی‌نا، همان).

ج) اخلاص سپهبد شهید

علی صیاد شیرازی، مردی در نهایت خلوص، پاک نیت و صبور بود. وی عمر با برکت خویش را، در راه خدمت به اسلام و میهن بر ضد دشمنان و به جنگیدن با آنان سپری نمود. بزرگ مردی که قلبش همیشه برای مردم ایران می‌تپید. مردی که مردم انقلابی و نیروهای مردمی و سپاهی در سراسر کشور، وی را با نام رزمنده ای شجاع و ارتشی دلاور می‌شناختند. او که خود را خدمت گزار مردم می‌دانست و با وجود مشغله زیادی که داشت، هرگز از پاسخ گویی به درخواست های مردمی و رسیدگی به مشکلات آنان وانمی‌ماند. صیاد، خویش را در مقابل خانواده شهدا خجل می‌دید و در این زمینه با خود می‌گفت: «چرا من به فیض شهادت نائل نشدم؟» (بی‌نا، ۱۳۸۳).

د) استقامت و پایداری

مهم‌ترین ویژگی فرماندهی شهید صیاد، استقامت و پایداری وی در امور بود، در فرمان حضرت امام علی علیه السلام به مالک اشتر چنین آمده است: «به آن افسر احترام کن که شجاع و جسور است و در مقابل توفان حوادث همچون کوهی پولادین، ایستادگی و مقاومت می‌کند». یک فرمانده در اجرای مسئولیت‌ها، اهداف و مأموریت‌هایی که به عهده‌دارد به خصوص در میدان نبرد، با موانع و مشکلاتی مواجه می‌گردد، از جمله شرایط یک فرماندهی موفق، تصمیم به موقع و حل مشکلات در شرایط بحرانی است، بدون آن که دچار عجله و سراسیمگی گردد.

توانایی فکری و علمی، قدرت درک، تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات، تمرکز فکری، کنترل و نظارت مستمر بر امور زیردستان، صبر و حوصله، قدرت تحمل فشار کار و

خویشتن‌دار بودن در مقابل افراد و مصائب، هرکدام به تنهایی از عوامل تعیین‌کننده در پیشرفت و موفقیت یک فرمانده کاردان و با تدبیر است. در انتصاب فرماندهان از طرف رسول اکرم (ص) و حضرت علی (ع) این ویژگی از شرایط عمده انتصاب به حساب می‌آمد. وقتی که خبر شهادت مالک اشتر به حضرت علی علیه‌السلام رسید، ایشان به عمده‌ترین صفت مالک یعنی استقامت و پایداری او اشاره نموده و فرمودند: «مالک اشتر را می‌گویید که تا چه اندازه مرد بود. مالک اگر کوه بود، همانا کوهی بود بلند و قله‌ای بود شامخ و اگر سنگ بود، سنگی بود سخت که پای هر رهنوردی به دامن آن نمی‌رسید و هیچ پرنده بلند پروازی بر بالای آن پریدن نمی‌توانست».

آن چه که عملکرد شهید صیادشیرازی در مسئولیت‌های گوناگون از همان ابتدای حضور در کردستان نشان می‌دهد، او نیز همانند مالک‌اشتر بدون وقفه و در تمام اوقات شبانه‌روز در جهاد و تلاش بود. امیر سرتیپ پورشاسب یکی از فرماندهان نیروی زمینی در سال‌های گذشته و از هم‌زمان شهید صیادشیرازی در کردستان اظهار می‌دارد: «در یکی از عملیات‌ها در نزدیکی (شهر) بانه به شدت مجروح و برای مداوا به تهران اعزام و در بیمارستان بستری شد، چند روزی در بیمارستان بستری بود که در همان ایام، برای اولین بار آمبولانسی به کشور وارد شد تا برای حمل مجروحان استفاده شود. این آمبولانس در اختیار مناطق عملیاتی و بیمارستان‌ها قرار گرفت. شهید صیادشیرازی در همان حال که روی تخت دراز کشیده بود و توانایی نشستن هم نداشت به پرستاران گفت مرا داخل آمبولانس جدید ببرید، بینم چگونه وسیله‌ای است، می‌خواهم آن را از نزدیک مشاهده کنم. وقتی او را به داخل آمبولانس بردند، این شهید بزرگوار از آمبولانس بیرون نیامد و گفت این آمبولانس حرکت کند و مرا به منطقه



داشتند، وی به صراحت اعلام کرد که اجرای چنین عملیاتی خودکشی است. او در مشکلات و برای تصمیم‌گیری در موارد سخت، پس از بررسی و ارزیابی تمام جوانب اصولی و علمی و انجام مشاوره، وقتی به نتیجه قطعی نمی‌رسید، دو رکعت نماز به جای می‌آورد و بعد با توکل بر خداوند تصمیمش را می‌گرفت (حسینیا، پیشین).

و) تواضع و فروتنی

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «فرمانده موظف است که هر قدر بر پایه مقامش افزوده می‌شود، بر فروتنی و تواضع خود بیفزاید». امیر مؤمنان علی(ع) در فرمان خود به مالک اشتر نیز می‌فرماید: «کبر و بزرگی ویژه خداوندگار است، زنه‌ار تو مبدا به تکبر در همانندگان خویش که روزی چند رعیت و زبردست تواند، بنگری و خود را از پایه بندگی فراتر فراشته، خیال خدایی در خاطر بپروری».

نکته مهمی که از ابعاد شخصیتی شهید صیادشیرازی به شمار می‌رود آن است که وی معنی و روح تواضع و فروتنی را به خوبی درک کرده بود و هرگز تظاهر به عمل دلخواه دیگران نمی‌کرد. او به علت این تواضع و فروتنی خالصانه، هرگز در برابر دشمن و همچنین افراد متخلف و کم‌کار و فرصت‌طلب انعطاف نداشت و به درستی از مصادیق این فرمایش حضرت علی(ع) به خصوص در میدان جهاد و جنگ بود که: «من آن افسر را دوست می‌دارم که با ناتوانان و بیچارگان فروتن و با گردنکشان همچون قهرالهی بی‌رحم و متکبر باشد».

ز) شهامت و شجاعت

در مورد شجاعت و شهامت شهید صیادشیرازی، هم‌زمان او چه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و چه در نیروی زمینی ارتش خاطرات و نمونه‌های فراوانی دارند که تنها به یک خاطره از قول امیر سرتیپ عبدالعلی پورشاسب اکتفا می‌شود:

برساند، و با همان حال او را مجدداً به کردستان منتقل کردند. به گفته سرهنگ حسن کلانتری، شهید صیادشیرازی از داخل همان آمبولانس هدایت عملیات را به عهده گرفت و حتی به بازدید برخی محورها هم می‌رفت».

دریابان شمخانی می‌گویند:

«مهمترین موضوعی که بعنوان یکی از ویژگی‌های شخصیتی شهید بزرگوار سپهد صیاد شیرازی در ذهن من ثبت شده است، به توانایی و عزم خستگی‌ناپذیر ایشان در کسوت فرماندهی برمی‌گردد. او فرماندهی آگاه و با اراده در ایجاد و طراحی عملیات در سطح نیروی زمینی ارتش نیز از نقاط برجسته شخصیت اوست انجام این اقدامات به صورت هم‌زمان بدون وجود فرمانده‌ای با انگیزه و ارزشمند مثل صیاد شیرازی هرگز ممکن نمی‌شد».

یکی دیگر از هم‌زمان ایشان می‌گویند: «شهید چندین بار به افتخار جانبازی نائل آمد. یک مرتبه در کردستان در نتیجه حادثه‌ای استخوان‌های لگن وی خرد شد و در بیمارستان که بستری بود، دکتر معالج ایشان گفت: دیگر نمی‌تواند به نظامی‌گری ادامه دهد. اما شهید شیرازی با همان روحیه‌ای که داشت با ویلچر به منطقه آمد و در آمبولانس هدایت عملیات را بر عهده گرفت» (بی‌نا، پیشین: ۲۷ آبان ۱۳۸۶).

ه) توکل و صداقت

قبله شهید صیادشیرازی و به عبارتی محور مدیریت و فرماندهی‌اش رضایت خداوند و توکل بر او بود، به همین علت هرگز بر اساس مصلحت طلبی سخنی به زبان نمی‌آورد، حتی برای انجام چند عملیات بعد از بیت‌المقدس وقتی برای جلسه مشاوره با سایر فرماندهان به نزد امام خمینی رحمه‌الله‌علیه می‌رفت، اگر مخالف با اجرای عملیات بود با کمال صداقت نظرش را بیان می‌کرد و حتی در حالی که سایر فرماندهان برای انجام عملیاتی که بعداً به شکست انجامید نظر مثبتی

فرزندان خویش را به خواندن نماز اول وقت توصیه می نمود. در طی هشت سال جنگ، به علت حضور مداوم در جبهه های نبرد علیه دشمنان، نمی توانست آن چنان که بایسته و شایسته است، به امور فرزندان خود رسیدگی کند، اما پس از جنگ، با وجود تمام کارهایی که داشت، در ایام استراحت، تمام وقت خویش را صرف خانواده می نمود (بی نا، پیشین: ۱۳۸۳).

ط) مردمی بودن

شهید صیادشیرازی از نظر شخصیتی کاملاً مردمی بود که این ویژگی را می توان نشانه فروتنی و تواضع وی نیز به شمار آورد. اما از آن جایی که هرکدام از این خصوصیات، آثار و علائم خاص به خودش را دارد، به همین علت ویژگی مردمی بودن را جداگانه توضیح می دهیم. در قرآن کریم وقتی خداوند می خواهد ویژگی های رسول اکرم (ص) را بیان فرماید، به مهم ترین آنها اشاره می نماید که مردمی بودن جز همین خصوصیات برجسته به شمار آمده است: «رسولی از جنس شما، برای هدایت خلق آمد که از فرط محبت و نوع پروری، فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می آید و بر آسایش شما بسیار حریص و کوشا و به مؤمنان مهربان و رئوف است».

طبق این آیه، فرمانده نباید خودش را از دیگران جدا تصور کند، پیوند و همبستگی میان فرمانده و مردم و ایجاد رابطه و صمیمیت با دیگران از ویژگی های مهم فرمانده است. از دید کلی یک فرمانده باید با همه مهربان باشد، به طوری که مثلاً همه آنها این اجازه را داشته باشند که مشکلات خود را با وی در میان بگذارند و شهید صیاد شیرازی به راستی این چنین بودند که شاهد آن را در مراسم پیکر پاک ایشان که با استقبال گسترده مردم قدرشناس ایران اسلامی روبرو گردید ملاحظه نمودیم.

در سال ۱۳۵۸ روزی در یکی از مناطق غرب کشور هنگام مبارزه با ضدانقلاب با یک گروهی همراه بودم که شهید صیاد شیرازی مسئولیت فرماندهی آن را به عهده داشت. نزدیک غروب به منطقه رسیدیم که گفته می شد به علت تسلط عوامل ضدانقلاب، عبور از آن منطقه خطرناک است و تا هوا کاملاً تاریک نشده باید از آنجا عبور می کردیم. از طرفی نزدیک به اذان مغرب به پایگاهی رسیدیم که تعدادی از رزمندگان نظامی در آن مستقر بودند. افرادی که در آن پایگاه حضور داشتند به ما توصیه کردند که تا هوا کاملاً تاریک نشده منطقه را ترک کنیم. اما شهید صیادشیرازی اصرار کرد که هنگام نماز فرا رسیده و ما بایستی بعد از اقامه نماز به سمت پایگاه اصلی حرکت کنیم. با وجود مخالفت اکثر اعضای گروه، ایشان دستور داد که باید بعد از نماز آن جا را ترک کنیم و لذا پس از اقامه نماز جماعت به سمت مقر اصلی به راه افتادیم. شهید صیادشیرازی هنگام بازگشت در میان راه به من گفت: «من میزان خطر را کاملاً احساس می کردم، اما اولاً باید نماز سروقت می خواندیم و ثانیاً باید به اینها درس می دادیم، درس شجاعت و شهامت. اگر در آن ساعت حرکت می کردیم، ترسی که در وجودشان بود بیشتر می شد».

ح) شهید و خانواده

جایگاه شهید صیاد شیرازی، به اندازه ای بزرگ است که کم تر کلامی قادر به بیان آن است. دختر شهید درباره برخورد پدرشان با اعضای خانواده می گوید: «با توجه به گسترده بودن حجم کار پدرم، رسیدگی ایشان به امور خانواده در اوقات فراغت، از جمله کارهای در خور توجه ایشان بود». شهید صیاد شیرازی با وجود مشغله زیاد کاری، به خانواده خود توجه خاص داشت. حتی گاهی جارو به دست می گرفت و در نظافت و کارهای خانه به همسر خویش کمک می کرد.



ی) در آرزوی وصال

صیاد شیرازی سال ها در پی صید شهادت گشت، ولی این زلال ابدی در کام دلش نچکید. او غبطه می خورد که چرا دوستان و هم رزمانش نوبت به نوبت شهید می شوند، ولی او همچنان در صف انتظار باقی مانده است. سال های سال جهاد کرد. غرب را زیر پا گذاشت تا به جنوب رسید. کردستان را، پاره را، چمران و همت و کاوه را، دفتر خاطرات جنگ را، مبارزه با مردان پرنگ را ... یکی یکی پشت سرگذاشت و دفتر زندگی اش را با امتیاز عالی پر کرد (عبدیانی، ۱۳۸۵: ۱۴۶).

همسر شهید صیاد شیرازی درباره شهادت طلبی ایشان می گوید: «سردار همواره در دعا، نماز و سجده های شبانه اش اشک می ریخت و از خداوند طلب شهادت می کرد. او سخن از غمی داشت که در طول سال های دراز بر دلش نشست بود و این اندوه دیرینه چیزی نبود جز دوری از یاران شهیدش» ایشان، با بغض در گلو ادامه می دهد: «من فقط ناراحتم که او چرا تنها رفت و ما را همراه خود نبرد؛ چون شب آخر هم دعا کردم و شهادت همه اعضای خانواده را از خدا خواستم، در حالی که می بینم خداوند فقط یک نفر را از میان ما برگزید.» (بی نا، پیشین: ۳۱ فروردین ۱۳۹۲). پس از شهادت صیاد که مردم برای عرض تسلیت به حضور همسر ایشان رسیدند، استوار روی پا ایستاد و ضمن خیر مقدم و خوش آمد گویی، با اراده ای ماندگار خطاب به برخی از میهمانان گفت: «چرا تسلیت می گوئید؟! در حالی که شهادت تبریک دارد نه تسلیت؛ صیاد شیرازی به آرزوی دیرینه اش رسید» (عبدیانی، پیشین: ۱۴۶).

ک) انضباط معنوی

شهید سپهبد علی صیاد شیرازی نخستین فرمانده جوان و حزب اللهی نیروی زمینی ارتش پس از انقلاب بود. از نظر تجربه، تدبیر، شجاعت، اخلاص و توکل در فرماندهی نمونه و با همه وجود در خدمت دفاع مقدس بود. برای او ارتش و سپاه تفاوت نداشت؛ هدفش خدا و پیروزی بر دشمن بود. به مسائل معنوی خیلی اهمیت می داد، سعی می کرد بنیه معنوی خود و همکاران نزدیکش را تقویت کند. با علما و اهل معرفت معاشرت داشت و در جلسات ایشان احادیث ائمه معصومین را برای تقویت روحیه معنوی یادداشت می کرد و علاقه زیادی به حضرت آیت الله بهاءالدینی داشت و از هر فرصتی برای استفاده از محضر ایشان بهره می جست. با الهام از سیره عملی امام به نماز اول وقت مقید بود و جلسات فرماندهان را به گونه ای برنامه ریزی می کرد که در اول وقت فضیلت نماز پایان یابد و اگر تا وقت ادای فریضه جلسه ادامه داشت آن را موقتاً تعطیل و پس از اقامه نماز مذاکرات جلسه ادامه می یافت. معتقد بود که این روحیه و انضباط معنوی برکات عظیمی در تصمیم گیری های فرماندهان قرارگاه عملیاتی دارد (شیدائیان، ۱۳۸۴: ۷۰).

ل) تلاش در جهت توسعه فرهنگ نماز در جبهه ها

روحیات معنوی شهید صیاد شیرازی باعث جذب کلیه کسانی می شد که با ایشان ارتباط داشتند. شهید صیاد حتی در مناطق عملیاتی به برپایی نماز جماعت اهمیت می دادند و بر همین اساس فرماندهان در تأمین نمازخانه و تشویق پرسنل به امر نماز جماعت همت می گماردند. ایشان همچنین نسبت به برگزاری نیایش و دعا بالاخص دعای کمیل اهمیت می دادند تا جایی که هنگام برگزاری دعای کمیل کلیه فرماندهان تا رده گروهان به قرارگاه مراجعت و مراسم دعا با شکوه هرچه تمام تر برگزار می گردیده است. از نوآوری ها و خلاقیت های ایشان جهت برقراری روح تفاهم و هماهنگی

نتیجه گیری

میان پرسنل و فرماندهان صرف شام در نمازخانه پس از برگزاری نماز جماعت بود (حسینیا، پیشین: ۶۳).

بر اساس آنچه بیان شد علت موفقیت و محبوبیت شهید صیادشیرازی، هم به صفات شخصی و هم به ویژگی‌های مدیریتی وی مربوط می‌شود و نکته مهم آن که همه این ویژگی‌ها متأثر از اعتقاد قلبی او بود که همواره خدا را ناظر افکار و نیات و اعمال خود می‌دانست. گرچه چنین ایده‌ای را هر مسلمان و مؤمنی می‌تواند داشته باشد، اما شهید صیادشیرازی از این جهت به یقین رسیده بود و در واقع رمز موفقیت شهید صیادشیرازی تقوی، اخلاص، تلاش و جهاد در راه خدا بود. شهید صیاد شیرازی، فردی مؤمن و متعهد راستین به اسلام و تشیع بود. بزرگ مردی که هر کاری را با نام خدا و دعا برای فرج آقا امام زمان (عج) شروع و با دعا برای سلامتی و عزت رهبر معظم انقلاب به پایان می‌برد.

وی به شهادت اعضای خانواده و همکاران و اطرافیانش، همیشه با وضو بود و برای تصمیم‌گیری در کارهای مهم و اساسی، ابتدا دو رکعت نماز به جای می‌آورد. بنابر سفارش امام خمینی رحمه الله همیشه دوشنبه‌ها و پنج‌شنبه‌ها را روزه می‌گرفت. اوقات کاری اش و شروع و پایان جلسات اداری اش با اوقات شرعی منظم شده بود. به نماز شب بسیار مقید بود و ساده زیستی و دوری از تجملات و تکبر و ریا، از خصوصیات ویژه اخلاقی آن شهید بود. صیاد، نمونه‌ای از یک افسر و فرمانده منضبط، جدی و سخت‌گیر، و البته مورد علاقه زبردستانش بود. ویژگی‌های اخلاقی شهید صیاد شیرازی به گونه‌ای بود که نه تنها شهره مردم کشور خود بود بلکه شهرت مردانگی و ایمانش به همه جهان رسیده بود:

نشریه مالین چاپ فرانسه در سال ۱۳۶۲ امیر سرافراز ارتش را این‌گونه توصیف می‌کند: «برای صیاد شیرازی فرمانده نیروی زمینی ارتش ایران، کلید پیروزی به تانک و موشک بستگی ندارد، بلکه تنها به اعتقاد به خدا بستگی دارد. قدی کوتاه، نگاهی روشن و دست‌هایی که با انگشتر عقیق صاف روی میز ستاد مشترک روی هم قرار گرفته‌اند. این متخصص توپخانه که دوره تخصصی خود را در آمریکا گذرانده و امروزه فرماندهی نیروی زمینی ارتش ایران را هدایت می‌کند، از فرمول‌ها نمی‌ترسد.» او با سادگی می‌گوید: «من یک سرباز اسلام هستم».

هدف او بر سر جای خود نشان دادن رژیم مزدور صدام حسین است. او درباره اختلاف و جدایی‌اش از بنی‌صدر می‌گوید: «ما می‌خواستیم برای خدا بجنگیم ولی او می‌خواست که ما برای او بجنگیم. او مرد تکنیک و سیاست بود. من مرد جهاد و جنگ مقدس بودم.» صیاد شیرازی، محرک این ارتش شهیدپرور در خدمت‌الله است که تا به حال بسیاری از ناظران بین‌المللی را به اشتباه و انحراف کشانیده است. صیاد شیرازی به گونه‌ای دل‌رحمانه لبخند می‌زند و پیروزی‌های متوالی ایران را یادآوری می‌کند: «هدف ما اشغال یک سرزمین یا یک شهر خاص نیست و منظور دفاع از پشت مرزهایمان و یا اشغال تمام عراق نیست. دفاع ما، تا موقعی که هیچ خطری ما را تهدید نکند ادامه خواهد یافت ... بگویید که نیروهای واقعی انقلاب اسلامی هنوز آشکار نشده است. ما می‌خواهیم انسان را پاک و خالص گردانیم. آنهایی که کشته می‌شوند می‌دانند که به هر حال پیروزمندانه می‌میرند و این مهم است» (بی‌نا، پیشین: ۳ مهر ۱۳۹۱).

شهید صیاد شیرازی نمونه‌ای از یک فرمانده موفق و مکتبی و ولایت‌مدار است. ایشان در مسؤلیت‌هایش به مفاهیم خوشخویی، مهربانی، گذشت، مشاوره در تصمیم‌گیری و



۹- محسنی، محسن (۱۳۸۱)، «یادبود شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»، *نشریه شمیم یاس*، شماره ۹.

۱۰- معراجی پور، محبوبه (۱۳۸۵)، *عاشق ترین صیاد*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۱- مؤمنی، محسن (۱۳۸۳)، *در کمین گل سرخ؛ روایتی از زندگی شهید سپهبد علی صیادشیرازی*، تهران: سوره مهر، چاپ دوم.

سایت‌ها:

۱- بی نا (۱۳۹۰/۳/۱)، «شهید امیر سپهبد علی صیاد شیرازی»، www.noorportal.net

۲- بی نا (۱۳۹۲/۱/۳۱)، «زندگینامه شهید امیر سپهبد علی صیاد شیرازی»، www.aviny.com

۳- خادم الشهدا (۱۳۸۷/۱/۱۴)، «شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»، www.shohada.parsiblog.com

۴- بی نا (۱۳۹۰/۷/۳)، «زندگینامه علی صیاد شیرازی»، www.hamshahrionline.ir/48124

۵- صداقت، فرحروز (بی تا)، «گفتگو با مادر و خواهر سپهبد شهید علی صیاد شیرازی»، پایگاه اطلاع رسانی ارتش جمهوری اسلامی ایران؛ ویژه نامه الکترونیکی سیزدهمین سالگرد شهادت سپهبد صیاد شیرازی.

۶- حسینیا، احمد (بی تا)، «چرا صیاد دلها؟»، www.maarefjang.ir

۷- بی نا (۱۳۹۱/۹/۱۶)، «شهید صیاد شیرازی و ولایت پذیری کامل»، www.pelakeshohada.blogfa.com

۸- بی نا (۱۳۸۶/۸/۲۷)، «فرازهایی از زندگینامه شهید سپهبد علی صیاد شیرازی»، www.navideshahed.com.۲۷/۸/۸۶

۹- عبدیانی، سمیه (بی تا)، «خار در چشم نفاق»، www.hawzeh.net

تلاش در جهت خشنودی و اعتماد به خدا عمل کرد و تربیت قرآنی را در زندگی پیشه خود ساخته بود، او به آیات قرآن و احادیث و روایات رسیده از پیامبر گرامی اسلام (ص) و ائمه معصومین علیهم السلام سخت اعتقاد داشت و نزول ملائکه در شرایط مقاومت را یقین می دانست و همیشه در بیانات و استدلال‌های عملیاتی به آیات الهی تمسک می جست و به آنها استناد می کرد به نوعی که گویا از آنها تغذیه می کند و نشاط روحی و حیات می گیرد. ایشان معتقد بودند که هیچ کلامی در اسلام بی حکمت نیست.

بنابراین خصوصیات و ویژگیهای اخلاقی شهید صیاد شیرازی، ذکر شده در این مقاله، با ترکیب خصوصیات فردی و سازمانی وی که حاوی سجایای اخلاقی و دینی به همراه علم و دانش بود، می تواند نمونه یک الگو نه تنها برای فرماندهان بلکه برای یک جوان ایرانی باشد.

فهرست منابع

فارسی:

۱- انبارداران، امیرحسین (۱۳۸۱)، *امیر دلاور*، تهران: نشر شاهد.

۲- بی نا (۱۳۸۷)، «امیر عاشورایی»، *نشریه پاسدار اسلام*، شماره ۲۰۹.

۳- بی نا (۱۳۸۳)، «گلبرگی از گلستان وجود»، *نشریه گلبرگ*، شماره ۴۹.

۴- بی نا (۱۳۷۸)، *خاطرات امیر سپهبد صیاد شیرازی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول.

۵- حسینیا، احمد (۱۳۸۷)، *صیاد دلها*، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول.

۶- شیدائیان، حسین (۱۳۸۴)، «انضباط معنوی»، *نشریه حصون*.

۷- صادقی گویا، علی (۱۳۷۹)، *عملیات شیندار*، تهران: هیئت معارف جنگ.

۸- عبدیانی (۱۳۸۵)، سمیه، «خار در چشم نفاق»، *نشریه گلبرگ*، شماره ۷۳.